

Fundamentals of Quantitative, Qualitative and Integrated Content Analysis Methodology, Examining Approaches, Strengths, Weaknesses and the Role of Each in the Process of Preparing Educational Content

Saeedeh Kamyabi Azar¹, Keyvan Molanorouzi^{2*}, Samira Vakili³, Hossein Charbashlu⁴

1. PhD Student in Curriculum Planning, Faculty of Education, Islamic Azad University, Science and Research Unit, Tehran, Iran
2. Assistant Professor, Department of Physical Education and Sport Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
3. Assistant Professor, Department of Psychology and Education of Exceptional Children, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
4. Assistant Professor, Department of Education, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

ARTICLE INFORMATION

Article type

Original Research

Pages: 243-259

Corresponding Author's Info

Email:

keivannorouzy@gmail.com

Article history:

Received: 2024/08/13

Revised: 2024/09/24

Accepted: 2024/12/30

Published online: 2025/02/28

Keywords:

Analogical and inductive approach

Content analysis

Explicit content analysis

Versus hidden content analysis

Quantitative and qualitative content analysis

ABSTRACT

Background and Aim: The process of content analysis is the process of converting quality into quantity and then converting this quantity into quality. This method is often used in integrated research and research process and is used in various fields of educational and social sciences, including curriculum and educational planning, sociology, psychology, and educational technology. **Methods:** In this research, a descriptive and library method was used, and all related these articles were purposefully selected and analyzed. This article is a review type. And also the research method based on grounded theory is used. **Results:** What is stated in this article first defines content analysis, then examines open content analysis versus hidden content analysis, as well as uses, stages, approaches, and finally attempts to express the nature of content analysis from a quantitative and qualitative point of view, and then to The two logics of induction and analogy and comparison were discussed and they were carried out in the three steps of preparing for organizing and reporting. **Discussions:** Since the method of content analysis has different branches, the border of their differences and similarities is not completely clear. For this reason, as well as the existence of different approaches, this research has been carried out, because by introducing, analysis and summarization of content analysis methods help researchers to write and find their methodological point of view, therefore, it has more of an operational aspect than a theoretical aspect, because it can be a precursor to the use and implementation of other methods such as the foundational data theory method.



This work is published under CC BY-NC 4.0 licence. © 2022 The Authors.

How to Cite This Article: Kamyabi Azar S, Molanorouzi K, Vakili S, Charbashlu H (2025). Fundamentals of Quantitative, Qualitative and Integrated Content Analysis Methodology, Examining Approaches, Strengths, Weaknesses and the Role of Each in the Process of Preparing Educational Content . *JECHE*, 5(4, 18): 243-259 DOI:10.32592/jече.5.4.243



زمستان ۱۴۰۳، دوره ۵، شماره ۴ (بیایه ۱۸)، صفحه‌های ۲۵۹-۲۴۳

مبانی روش‌شناسی تحلیل محتوای کمی، کیفی و تلفیقی، بررسی رویکردها نقاط قوت، ضعف و نقش هر کدام در فرایند تهیه محتوای آموزشی، آموزش از راه دور در آموزش عالی

سعيدہ کاميابی آذر، كيوان ملانوروزي^{۲*}، سمير ا وکيلي^۳، حسين چارباشلو^۴

۱. دانشجوی دکتری تخصصی رشته برنامه ریزی درسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
۲. استادیار گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
۳. استادیار گروه روانشناسی استثنایی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
۴. استادیار گروه برنامه ریزی درسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

صفحات: ۲۵۹-۲۴۳

اطلاعات نویسندہ مسئول

ایمیل:

keivannorozy@gmail.com

[سابقہ مقالہ](#)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۴/۳۰

تاریخ اصلاح مقاله: ۱۴۰۳/۰۶/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۲/۱۰

واژگان کلیدی

تحلیل محتوا، پژوهش کمی، پژوهش

کفیه، محتوای آموزشی، آموزش، از راه

دور، آموزش عالی

انتشار این مقاله به صورت دسترس آزاد مطابق با CC BY-NC 4.0 صورت گرفته است.

تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است.



شیوه استناد به این مقاله

کامیابی آذر، سعیده؛ ملانوروزی، کیوان؛ وکیلی، سمیرا؛ چارباشلو، حسین (۱۴۰۳). مبانی روش شناسی تحلیل محتوای کمی، کیفی و تلفیقی، بررسی رویکردها نقاط قوت، ضعف و نقش هر کدام در فرایند تهیه محتوای آموزشی، آموزش از راه دور در آموزش عالی. فصلنامه سلامت و آموزش در اوان

کو د کے ، ۵ (۴) : ۲۴۳-۲۵۹

مقدمه

تحلیل محتوا به عنوان یک تکنیک علمی عمدتاً در قرن بیستم رایج شد. شاخه های مختلف علوم اجتماعی مانند ارتباطات، جامعه شناسی، علوم سیاسی و روانشناسی در تحقیقات خود از آن استفاده کرده اند. دو عامل محتوا و تأکید در میزان یادگیری فراگیران بسیار مؤثر هستند (کامیابی ۲۰۲۴). فکر بنیادی تحلیل محتوا عبارت است از قرار دادن اجزای یک متن (کلمه ها جمله ها پاراگراف ها و مانند آن ها دقیقاً برحسب واحدهایی که ما انتخاب می کنیم) در تعدادی مقوله که از پیش تعیین شده اند کمیت کلمه ها (یا همان واحدهای انتخاب شده) بر حسب این مقوله ها نتیجه تحلیل را تعیین می کنند تحلیل محتوا به یک معنا عبارت است از مقوله بندی همه اجزای یک متن در جعبه های مختلف به این ترتیب مقدار اجزا و عناصری که در هر جعبه مرتب شده اند متن را مشخص می کند (ادیب حاج باقری، پرویزی، صلصالی ۲۰۱۱).

البته تحلیل محتوای یک کتاب تنها محدود به متن و نوشته نمی شود بلکه می تواند مواردی چون تصاویر نقاشی ها و نمودارها را نیز دربر گیرد همچنین کاربرد تحلیل محتوا تنها محدود به کتاب نبوده بلکه تحلیل مقالات در مجلات روزنامه ها سخنرانی ها برنامه های رادیویی تلویزیون و فیلم های سینمایی را نیز دربر می گیرد (میرزاییگی، وفایی، میرزا محمدی، ۲۰۰۸؛ نقل ازریف و همکاران، ۱۹۷۲) چلیمسکی^۱ ۱۹۸۹ تحلیل محتوا^۲ را مجموعه رویدادی برای جمع آوری و سازماندهی اطلاعات در یک شکل استاندارد شده می داند که به محقق اجازه تحلیل هایی برای استنباط در مورد ویژگی ها و معنای مواد نوشتاری یا ثبت شده را می دهد به عقیده او تحلیل محتوا بیشتر در پی جواب دادن به سؤالاتی از نوع چه چیزی می باشد تا چرایی به عبارت دیگر این روش بیشتر برای یافتن عقیده و فهم نویسنده یا تاثیر آن بر روی مخاطبان می باشد نه علل وقوع آن بنابراین به طور کلی می توان گفت تحلیل محتوا به هر رویدادی که برای تحلیل خلاصه کردن طبقه بندی و استنباط خصوصیات خواست از متن منجر می شود و حتی در مواردی باعث نمایان شدن معناهای پنهان در محتوای می گردد و گاهی نیز امکان مقایسه ی چندین متن و محتوا را به ما می دهد (مومنی راد، ۲۰۱۴). فکر بنیادی تحلیل محتوا عبارت است از قرار دادن اجزای یک متن (کلمه ها جمله ها پاراگراف ها و مانند آن ها دقیقاً برحسب واحدهایی که ما انتخاب می کنیم) در تعدادی مقوله که از پیش تعیین شده اند کمیت کلمه ها (یا همان واحدهای انتخاب شده) بر حسب این مقوله ها نتیجه تحلیل را تعیین می کنند تحلیل محتوا به یک معنا عبارت است از مقوله بندی همه اجزای یک متن در جعبه های مختلف به این ترتیب مقدار اجزا و عناصری که در هر جعبه مرتب شده اند متن را مشخص می کند

البته تحلیل محتوای یک کتاب تنها محدود به متن و نوشته نمی شود بلکه می تواند مواردی چون تصاویر نقاشی ها و نمودارها را نیز دربر گیرد همچنین کاربرد تحلیل محتوا تنها محدود به کتاب نبوده بلکه تحلیل مقالات در مجلات روزنامه ها سخنرانی ها برنامه های رادیویی تلویزیون و فیلم های سینمایی را نیز دربر می گیرد (میرزاییگی، وفایی، میرزا محمدی، ۲۰۰۸). کراکوتر^۴ (۱۹۵۲؛ نقل از معتمدی، ۲۰۱۹) در مقاله خود تحت عنوان چالش تحلیل محتوای کیفی روش تحلیل محتوای کیفی را به رسمیت شناخت.

تحلیل محتوای کیفی یکی از روش های پژوهش کیفی است که به صورت وسیع به کار می رود در حال حاضر سه رویکرد برای تحلیل محتوا وجود دارد که عبارت است از رویکرد "سنتی"، "هدایت شده" و "جامع". تمام رویکردها برای تفسیر مفهوم محتوای متن بکار گرفته می شوند و با دیدگاه طبیعت گرایی همخوانی دارند و تفاوت عمده این رویکردها در چگونگی کد گذاری، اساس کدها و درستی داده ها است. در تحلیل محتوا به روش سنتی طبقات به گونه ای مستقیم از متن داده ها استخراج می شوند. در رویکرد هدایت شده اساس تحلیل را نظریه های موجود یا نتایج پژوهش های پیشین به عنوان کدهای اولیه و راهنما تشکیل می دهند. و تحلیل محتوا با رویکرد جامعه

۱. N chelimsky & et al

۲. N chelimsky

۳. Content analysis

۴. Kracauer, S

با شمارش واژگان آغاز می‌شود و سپس بافت و زمینه مربوط به متن مورد تفسیر قرار می‌گیرد. استملر،^۱ (۲۰۰۰)

همچنین تحلیل محتوا وسیله‌ای است برای تحلیل تعاملات اجتماعی که از مهم‌ترین ویژگی‌های آن این است که بدون ارتباط با زمان و مکان در مورد متون و منابعی که در زمان‌های گذشته یا در فرهنگ‌های دیگر تولید شده‌اند به کار گرفته می‌شود و از آن طریق می‌توان اطلاعات پرارزشی حتی درباره جوامع و فرهنگ‌هایی که مطالعه مستقیم آن‌ها امکان‌پذیر نیست، به دست آورد (سیدامامی، ۲۰۰۵). همچنین، تحلیل محتوا باعث ارتباط با متونی می‌شود که بین طبقات خاص است و دارای تمایزاتی در تحلیل آماری آن‌ها می‌باشد. این روش می‌تواند به منظور تفسیر متون با اهدافی نظیر بسط یا گسترش و تکامل دانش در حیطه‌های تخصصی مرتبط به رشته‌های مختلف به کار گرفته شود (بروجردی علوی، ۲۰۰۲). ضمن این که به وقوف و بینش بیشتر پژوهشگران نسبت به مدل‌های پیچیده افکار انسانی و کاربردهای پیچیده زبان می‌انجامد. (بوئن،^۲ ۲۰۰۹) قانددی و گلشنی (۲۰۱۶) در پژوهش خود نشان داد تحلیل محتوا، فرآیند تبدیل کیفیت‌ها به کمیت‌ها و سپس تبدیل همین کمیت به کیفیت است. این روش، بیش‌تر در روند پژوهی، پژوهش‌های تلفیقی، بررسی تصویر واقعیت‌ها و نیز بررسی میزان انطباق برنامه‌ها با ویژگی‌ها و ویژگی‌های ساختاری و محتوایی بکار برده می‌شود. روش تحلیل محتوا بر این فرض بنا شده است که با تحلیل پیام‌های زبانی می‌توان به کشف معانی، اولویت‌ها، نگرش‌ها، شیوه‌های درک و سازمان‌یافتگی جهان دست یافت. این روش که در رشته‌های گوناگون علوم اجتماعی همچون ارتباطات، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و روان‌شناسی، کاربرد دارد، پژوهشگران نسبت به آن (به منزله روشی انعطاف‌پذیر برای تحلیل داده‌ها)، توجهی ویژه دارند. روش تحلیل محتوا، بین دو قطب عینی و ذهنی قرار می‌گیرد. به بیان دیگر، رویکرد تلفیقی تحلیل محتوا، امروزه می‌تواند کاربردی‌تر (از کمی‌گرایی یا کیفی‌گرایی صرف در تحلیل محتوا) باشد. (قانددی و گلشنی، ۲۰۱۶)

این روش اگر به خوبی و بر مبنای حقایق محکم و قطعی انجام شود می‌تواند به عنوان یک روش واقعی، عینی و تقریباً دقیق در نظر گرفته شود. سرانجام این که با استفاده از این روش بدون صرف هزینه زیاد مالی و زمانی، می‌توان به خصوصیات روانی و اجتماعی افراد پی برد با استفاده از تحلیل محتوا پژوهشگران به مدل‌های پیچیده‌ی تفکر انسانی و کاربردهای پیچیده‌ی زبان نیز دست پیدا می‌کنند (سیدامامی، ۲۰۰۵). اما از آنجا که روش تحلیل محتوا دارای شاخه‌های متفاوت می‌باشد، مرز تفاوت‌ها و شباهت‌های آن‌ها با هم کاملاً واضح و روشن نیست، بنابر این پژوهش حاضر بیشتر جنبه عملیاتی دارد تا جنبه نظری چرا که می‌تواند پیش درآمد استفاده و انجام روش‌های دیگر مانند روش نظریه داده بنیاد باشد. تحلیل محتوا روشی بسیار منعطف می‌باشد به همین منظور در شرایط متغیر و متفاوت می‌توان از آن استفاده نمود و این قابلیت در اثر تغییراتی است که روش تحلیل محتوا در طول زمان داشته است، با این حال هنوز هم به دلیل نبود چارچوب ثابت و نبود تعریف واحد، استفاده از آن گاهی با ابهامات زیادی روبرو است.

پژوهش حاضر با توجه به خلا پژوهشی موجود با معرفی، تحلیل و جمع‌بندی روش‌های تحلیل محتوا به پژوهشگران کمک می‌کند تا بتوانند نگاه روش‌شناسی خود را پیدا کنند به همین منظور پس از تعریف تحلیل محتوای کمی و کیفی به معرفی کاربردها، مراحل، رویکردها و در نهایت تحلیل دو منطق استقرا و قیاس پرداخته شده و همچنین به این پرسشها پاسخ داده شده

- روش تحلیل محتوای کمی و کیفی چه تفاوت‌ها و تمایزاتی با یکدیگر دارند؟

- آیا روش‌های تحلیل محتوا متأثر از قیاس و استقرا به صورت جداگانه عمل می‌کنند و یا امکان تلفیق آن‌ها وجود دارد؟

- عملکرد هر یک از این دو منطق چگونه بر روش تحلیل محتوای کیفی اثر می‌گذارد؟

روش پژوهش

در این پژوهش از روش توصیفی و کتابخانه‌ای استفاده شده و تمامی مقالات پایان‌نامه‌های مرتبط به طور هدفمند انتخاب و تحلیل شدند این مقاله از نوع مروری و کتابخانه‌ای است. در تدوین آن از جستجوهای اینترنتی کلیدواژه‌های، تحلیل محتوا، تحلیل محتوا

۱. Stemler, S.

۲. Bowen, G.A

کمی و کیفی، تحلیل محتوای آشکار در برابر تحلیل محتوای پنهان، رویکرد قیاسی و استقرایی و با استفاده از موتورهای جستجوگر نورمگز^۱، مگیران^۲، ایرانداک^۳، گوگل اسکالر^۴ و همچنین مطالعات کتابخانه ای چاپ شده در کتابها و مقالات علمی منتشر شده مرتبط با موضوع مورد مطالعه استفاده شده است. راهبرد جستجوی مورد استفاده گلوله برفی بود که در این روش بر اساس تمامی کلیدواژه‌های در نظر گرفته شده جستجوی منابع صورت می‌پذیرد و بعد از پایان جستجو مقالات تعداد هشت مقاله هوشمندانه انتخاب شدند. و همینطور از روش تحقیق مبتنی بر نظریه زمینه‌ای استفاده شده. نظریه زمینه‌ای با اتخاذ پارادایم تفسیرگرایی اجتماعی استدلال استقرایی استقهای و رویکرد قیاسی قادر است نظریه‌های مبتنی بر داده ارائه نماید. در این روش در حین گردآوری داده‌ها مسیر گردآوری داده‌های بعدی مشخص می‌شود این فرایند را نمونه‌گیری نظری می‌نامند بر همین اساس در پژوهش حاضر با توجه به ماهیت روش‌شناسی کیفی به جای ارائه فرضیه سوال مطرح می‌گردد و در طرح سؤالات نیز مبانی اهداف و چارچوب مفهومی پژوهش مورد نظر دقت نظر پژوهشگر می‌باشد تا بتواند به‌طور کامل محدوده فضای مفهومی پژوهش را مشخص سازد

مراحل تحلیل محتوا:

ارزش یافته‌های تحلیل محتوا به دقت و صحت انجام آن بستگی دارد از این رو لازم است انجام آن از ویژگی‌های لازم باشد همچنین انجام تحلیل محتوا مستلزم طی کردن مراحل است که توجه به آن‌ها دارای اهمیت می‌باشد در کتاب مهارت‌های آموزشی و پرورشی در مورد ویژگی‌های لازم این‌طور بیان شده که برای این که تجزیه و تحلیل محتوا ارزش علمی داشته باشد و از جهت‌گیری‌ها و غرض‌ورزی‌های شخصی برکنار بماند باید دارای چهار خصلت زیر باشد

۱ عینی بودن^۵

۲ منظم بودن^۶

۳ آشکار بودن^۷

۴ مقداری بودن^۸

مؤلف پس از توضیح ویژگی‌های فوق به بیان مراحل تجزیه و تحلیل محتوا می‌پردازد که عبارت‌اند از:

(الف) مشخص ساختن هدف تحلیل

(ب) جمع‌آوری نمونه‌های مورد تحلیل

(ج) تقسیم مجموعه مورد بررسی به واحدهای مختلف

(د) طبقه‌بندی واحدها

(ه) ارزیابی عینی طبقه‌ها (شعبانی، ۱۹۹۲)

یافته‌های پژوهش

رویکردهای تحلیل محتوا:

در تحلیل محتوا سه رویکرد متفاوت وجود دارد که بسته به نیاز و نوع پژوهش باید ابتدا رویکرد خود را مشخص کرد این سه رویکرد عبارت‌اند از:

۱. Noor Magz

۲. Magiran

۳. Irandoc

۴. Google Scholar

۵. Objective

۶. Regular

۷. Obvious

۸. Quantitative

الف تحلیل محتوای کمی در برابر تحلیل محتوای کیفی ب) تحلیل محتوای آشکار در برابر تحلیل محتوای پنهان ج) تحلیل محتوای استقرایی در برابر تحلیل محتوای قیاسی

تحلیل محتوای کمی در برابر تحلیل محتوای کیفی:

در تحلیل محتوای کمی بیشتر به ظاهر متن و شمارش کلمات یا جملات خاصی اکتفا می کنند در واقع در تحلیل محتوای کمی فرض بر این است که کلمات و عباراتی که نوشته شده اند آنهایی هستند که دربردارنده مهم ترین ایده های ارتباطی هستند بنابراین تحلیل محتوای کمی با شمردن کلمات اندازه گیری فاصله ی بین خطوط فراوانی واژگان وجود مترادف ها متضاد ها وجود کلمات مشابه در نوشتار ولی متفاوت در معنا براساس ویژگی های زبان شناسی خاص و غیره همگی این ها می تواند در تحلیل محتوای کمی مورد بررسی قرار گیرد این در حالی است که پژوهشگران تحلیل محتوای کیفی اغلب به این موضوع اشاره دارند که نتایج به دست آمده از تحلیل محتوای کمی کاری بسیار عبث بیهوده و بی ارزش می باشد و باعث ضایع شدن وقت و نیروی انسانی می گردد و معتقدند در این نوع محاسبه با استخراج عناصر یک پیام و سنجش و ارزیابی آن به اوضاع و احوال کلی پیامی که این عناصر از آن استخراج می شوند توجهی نمی شود (معمدنژاد، ۱۹۷۸) برخلاف تحلیل محتوای کمی که بیشتر به ظاهر محتوا و فراوانی آن و قابلیت کم کردن آن تاکید دارد در تحلیل محتوای کیفی بیشتر به مضامین نهان متن و مصاحبه ها توجه می شود و استنباط و استخراج معنا از آن ها مدنظر می باشد بنابراین "تحلیل محتوای کمی بیشتر زیر چتر معرفت شناسی اثبات گرایی و قائل به غیبت در پژوهش قرار می گیرد و تحلیل محتوای کیفی از مفروضات تفسیر گرایی برخوردار است." (مومنی راد، ۲۰۱۴).

به طور کلی می توان گفت روش های کمی و کیفی از دو مبانی متفاوت پارادایمی سرچشمه می گیرند روشی که به روشی کمی یا روش علمی مسلط موسوم است و برگرفته از نظام فلسفی اثبات گرایی است در مقابل مبانی فلسفی روش کیفی از نظام فلسفی تفسیری ریشه گرفته است.

در روش های کمی از ایجاد فاصله میان پژوهش و موضوع مطالعه می کوشند تا به شناختی عینی از واقعیت دست یابند واقعیتی که بر تبیین پیش بینی و آزمون به منزله معیارهای پارادایم اثبات گرایی مبتنی بر متغیرهای قابل اندازه گیری استوار است. این در حالی است که پژوهش های کیفی که مبتنی بر پارادایم تفسیری و روش شناختی پدیدارشناختی اند، بر درک معنای رویدادها به وسیله افراد مورد مطالعه استوارند و در این حالت نگاه به پدیده ها، نگاهی کل گرایانه و جامع نگر است و دنبال کردن این روش راهی است برای کسب آگاهی از راه کشف معانی پدیده ها. (ایمان، ۲۰۱۲)

پارادایم کمی مبتنی بر اثبات گرایی^۱ است که به دنبال تعمیم و تبیین های قانون نگر^۲ (یعنی مبتنی بر قوانین جهان شمول) است. هدف اصلی آن اندازه گیری عینی دنیای اجتماعی، آزمون فرضیه ها، پیش بینی و کنترل رفتار انسان است. در مقابل پارادایم کیفی ریشه در ضد اثبات گرایی و تأیید رویکرد پدیدارشناسی^۳ دارد و فرد نگر است بنابراین در ماهیت طبیعت گرا است و هدف اصلی اش درک حیات اجتماعی و معنایی است که افراد به زندگی روزمره خود می دهند (گلشنی و قاندری، ۲۰۱۶) و به طور کلی می توان گفت هر دو شیوه تحلیل محتوا برای مقاصد خاص در نظر گرفته شده اند.

روش تحلیل محتوا^۴ در ابتدا بیشتر به کمیت تاکید داشت و به شمارش فراوانی حضور یک واحد تحلیلی مانند یک واژه، یک اصطلاح، و در اشکال پیشرفته تر یک مضمون، در متن می پرداخت و این فرض به دلیل این بود که فراوانی بیشتر از یک واحد نشانگر اهمیت و جایگاه آن در متن مورد نظر بوده اما به تدریج این تفکر تغییر کرد و مورد اصلاح و بازبینی قرار گرفت. برلسون و

۱. Positivism

۲. Legal explanations

۳. Phenomenological approach

۴. Content analysis methods

لازاروسفلد^۱ (۱۹۶۰) جزء اولین کسانی هستند که این روش را به عنوان یک روش تحلیلی مستقل به کار گرفته‌اند کتاب برلسون با عنوان "تحلیل محتوا در پژوهش" (۱۹۵۲) نخستین کتابی بود که به تفصیل به بیان اهداف و روش‌های تحلیل محتوا می‌پرداخت. کلبِر^۲ (۲۰۰۶) اساس نظر برلسون و کلینچر^۳ (۲۰۰۶) بیان شده که تحلیل محتوای کمی باید دارای چهار ویژگی باشد:

الف) عینی بودن: عینیت^۴، استفاده از قواعد و قوانین دقیق و روشن است به این منظور که اگر پژوهشگران دیگر همان محتوا را با همان روش دوباره تحلیل کنند نتایج یکسانی بدست می‌آید بنابراین نتایج باید مستقل از تحلیل‌گرها باشد.

ب) نظام مند بودن: انتظام^۵ بیان‌کننده این موضوع است که همه عناصر موجود در محتوا باید بر اساس واحدها و مقوله‌هایی که برای بررسی در نظر گرفته شده‌اند تحلیل شوند و پژوهشگر تحت هیچ شرایطی نباید عناصری را از محتوا به دلخواه کنار گذارد و یا برخی از عناصر را تحلیل کند.

ج) آشکار بودن: در این قسمت باید از هرگونه استنباط شخصی و پیش‌داوری‌های فردی پرهیز شود و فقط به متن پیام آشکار و روشن توجه شود.

د) کمی بودن: در این قسمت تحلیل‌گر باید مشخص کند چه واژه‌ها مضمون‌ها و نمادهایی بیشتر از همه و به چه تعداد در متن تکرار شده همین‌طور می‌توان با استفاده از تحلیل هم‌بستگی ارتباط بین مفاهیم و عناصر را هم به دست آورد و متوجه شد که چه عواملی این عناصر را به هم پیوند می‌دهد بر اساس این ویژگی است که تحلیل محتوا از یک مطالعه‌ی معمولی جدا می‌شود (جعفری هرندی، ۲۰۰۹).

همان‌طور که واضح است در این روش دو عنصر اصلی مطرح هستند واحد تحلیل و مقوله تحلیل در تحلیل محتوای کمی روش تجزیه و تحلیل داده‌ها می‌تواند توصیفی باشد یا توصیفی تحلیلی در تحلیل توصیفی بر اساس نوع واحد تحلیل باید فراوانی موضوع مورد بررسی در مقوله‌بندی‌ها تعیین و شمارش شود و بر اساس آن نتیجه‌گیری شود درحالی‌که در توصیفی تحلیلی هم تحلیل فراوانی شامل شدت و وسعت و اهمیت عناصر مورد نظر در محتوا و هم هم‌بستگی عناصر و مفاهیم جهت انسجام هم‌بستگی و یا گسستگی بررسی می‌شود و نتیجه‌گیری نهایی صورت می‌گیرد (نوشادی، ۲۰۱۰).

شایان ذکر است نخستین حرکت به سمت تحلیل محتوای کیفی را می‌توان در مقاله کراکوئر^۶ با عنوان "چالش تحلیل محتوای کیفی" در سال ۱۹۵۲ مشاهده کرد در واقع این مقاله نوعی واکنش به کتاب برلسون به شمار می‌رفت و درحقیقت مناقشه‌ای بر سر استراتژی‌های کاربردی در تحلیل محتوا در دهه ۱۹۵۰ میلادی براه انداخت.^۷

مایرینگ^۸ (۲۰۰۳) جایگاه ویژه‌ای در به کارگیری روش تحلیل محتوای کیفی به خود اختصاص داده‌است در مقالات و آثار مایر در زمینه روش تحلیل محتوای کیفی سه رویکرد مطرح شده که به شرح زیر می‌باشد:

نخست رویکردی که در آن پژوهشگر با حفظ ساختار متن می‌کوشد داده‌ها را تا جای ممکن خلاصه کند در دومین رویکرد پژوهشگر علاوه بر خلاصه کردن تا حدودی به تفسیر داده‌ها می‌پردازد و در نهایت و در سومین رویکرد پژوهشگر می‌کوشد تا ساختار حاکم بر متن را بیرون بکشد (قائدی و گلشنی ۲۰۱۶؛ نقل از کلبِر ۲۰۰۶).

مایرینگ (۲۰۰۳) برای تحقق اهداف بیان‌شده دو رویکرد متمایز استقرایی و قیاسی را پیشنهاد می‌کند که با توجه به موضوع پژوهش

۱. Berelson B & Lazarsfeld P

۲. Kohlbacher

۳. Burleson & Clincher

۴. Objectivity

۵. System

۶. Siegfried Kracauer

۷. Kohlbacher,

۸. Mayring F

۹. Kohlbacher,

و ادبیات موجود از یکی از این دو رویکرد استفاده می‌شود به‌طور کلی می‌توان گفت تحلیل محتوا را بیشتر با رویکرد کمی و عینی آن می‌شناسند که بیشتر بر کم می‌کردن متن مورد بررسی استوار است و در این روش تجزیه و تحلیل داده‌ها بر پایه آمار، ارقام، فراوانی و درصدها انجام می‌شود هرچند که این کمیت‌ها در یک پژوهش عنصری ارزشمند به شمار می‌روند ولی به‌واقع روش کمی تنها به دنبال اهداف عینی می‌باشد درحالی که روش کیفی به دنبال اهداف ذهن نیست و پرواضح است که تحلیل کیفی بار معنایی یافته‌های کمی را روشن‌تر می‌سازد باید توجه نمود که در هر حال یک بعد کمی یا کیفی به تنهایی روایی لازم را ندارد و بهتر است تلفیقی از روش‌های کمی و کیفی در پژوهش بکار رود.

۱. تحلیل محتوای آشکار در برابر تحلیل محتوای پنهان^۲:

همان‌طور که واضح است در تحلیل محتوای کمی بیشتر به محتوای آشکار پرداخته می‌شود و تحلیل محتوای کیفی بیشتر به محتوای پنهان می‌پردازد هنگامی که مؤلف به‌طور واضح و روشن به جنبه‌هایی از متن اشاره دارد و محتوا را به‌وضوح مطرح می‌کند، از تحلیل محتوای آشکار استفاده می‌شود اما زمانی که متن با جنبه‌های ارتباطی محتوا سروکار دارد و تحلیلگر درگیر تفسیر معنای متن می‌شود باید از تحلیل محتوای پنهان استفاده کند (ادیب، پرویزی، صلصالی، ۲۰۱۲).

تحلیل محتوای استقرایی^۳ در برابر تحلیل محتوایی قیاسی^۴:

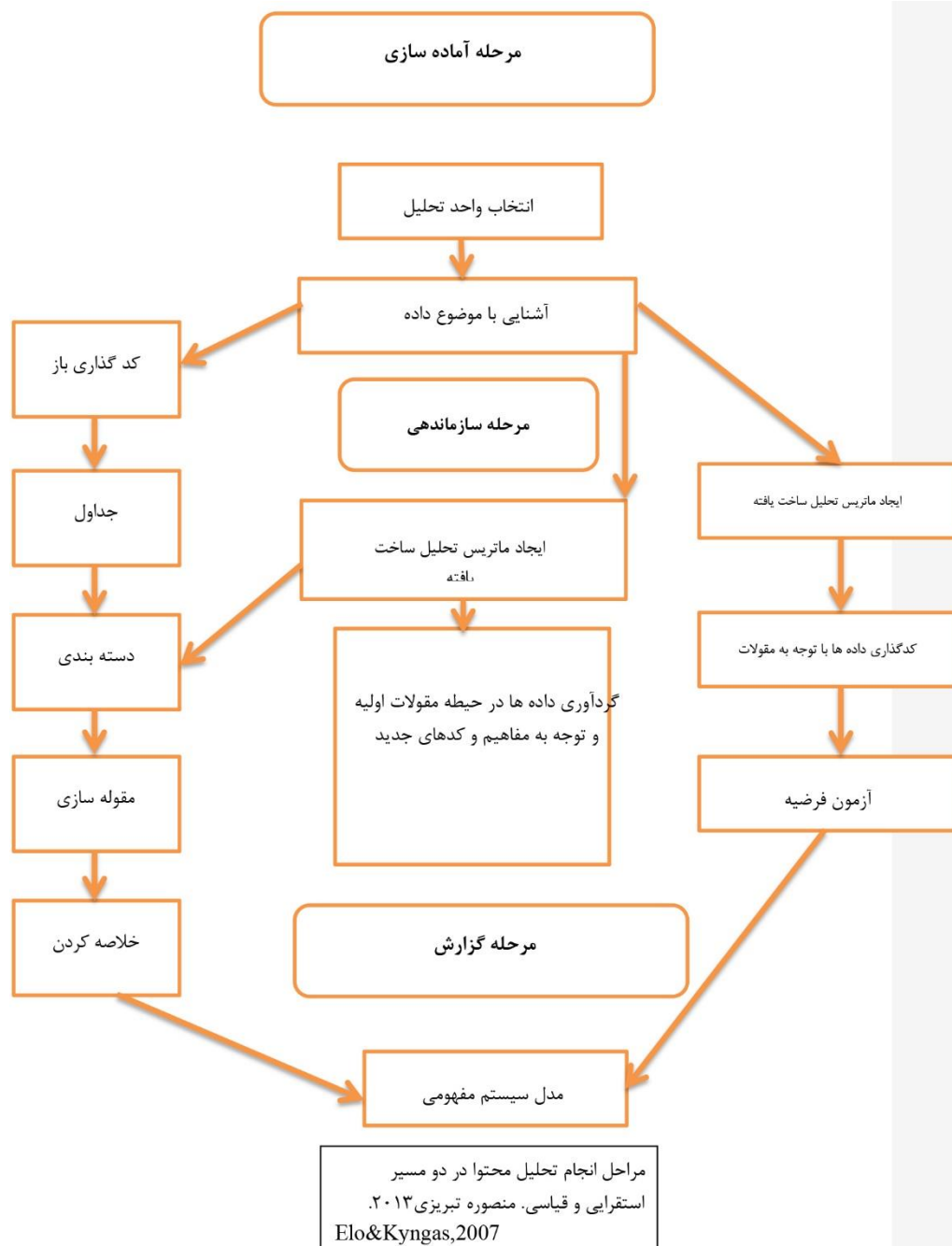
زمانی که محقق به نیت آزموده‌اند یا بررسی صحت نظریه مدل یا فرضیاتی دست به تحلیل می‌زند باید روش تحلیل محتوای قیاسی را استفاده نماید و زمانی که پژوهشگر سعی دارد در حوزه جدید به فهمی تازه دست پیدا کند و مدل یا نظریه‌ای را در زمینه خاص تدوین نماید از تحلیل محتوای استقرایی استفاده می‌نماید. درحقیقت استفاده از رویکرد استقرایی که از آن به‌عنوان تحلیل محتوای متعارف هم نام می‌برند بیشتر زمانی صورت می‌گیرد که اطلاعات کافی درباره یک پدیده وجود نداشته باشد و محقق قصد دارد دانش زمینه‌ای لازم را در این خصوص فراهم آورد این شیوه تحلیل محتوا بیشتر به دنبال کاهش اطلاعات و ارائه توصیفی دقیق‌تر پیرامون یک موضوع است و هدف آن کمک به به وجود آمدن یافته‌های تحقیق از طریق توجه به مضامین مسلط و متداول در داده هاست. این امر به آن معناست که محقق با رجوع به داده‌های مورد مطالعه به تدریج و به تکرار آن قدر آن‌ها را خلاصه می‌کند تا در نهایت به اصلی‌ترین مفاهیم و مضامین مرتبط با موضوع تحقیق دست پیدا می‌کند (صادقی راد و ناصری راد، ۲۰۱۱) اهداف تحلیل محتوای استقرایی شامل تبدیل اطلاعات متنی گسترده به مطالب خلاصه و استخراج اصلی‌ترین مضامین، ایجاد ارتباط دقیق و واضح میان پرسش‌های تحقیق و یافته‌های بدست آمده و ایجاد یک مدل یا نظریه پیرامون ساختار متن مورد مطالعه و یا کشف فرایندهایی که در متن مستتر است (تبریزی، ۲۰۱۳).

۱. Explicit content analysis

۲. Hidden content analysis

۳. Inductive content analysis

۴. Deductive content analysis



شکل ۱. تحلیل محتوای استقرایی

و اما تحلیل محتوای قیاسی که برخی آن را "تحلیل محتوای هدایت شده" هم نامیده‌اند زمانی استفاده می‌شود که پیرامون موضوع تحقیق دیدگاه‌های نظری گوناگونی وجود دارد و هدف از انجام آن آزمودن نظریه‌های پیشین و یا بسط آن‌ها در یک زمینه متفاوت است همان‌طور که واضح است نظریه‌ها و ادبیات موجود در یک زمینه می‌تواند به پیش‌بینی متغیرها و روابط میان آن‌ها کمک کند به همین علت فرآیند مطالعه را به صورتی ساخت یافته‌تر هدایت می‌کند همین‌طور دیدگاه‌های موجود که به تعاریف عملیاتی مفاهیم موردنظر دست پیدا کرده و مقولات مورد نیاز پژوهش را فراهم می‌آورد، لازم به ذکر است تعریف عملیاتی استفاده مستتر در متغیر تشکیل شده که این صفات باید مانع الجمع و جامع باشد (ببی، ۲۰۰۳).

۱. Guided content analysis

۲. Earl Babbie

مقولات اصلی که معرف موضوع مورد مطالعه هستند از تعریف عملیاتی استخراج می‌شوند و در یک جدول قرار می‌گیرند که استفاده از آن و ایجاد فهرستی از مقولات با توجه به هدف تحقیق به دو دسته ساخت‌یافته و ساخت نیافته تقسیم می‌شوند که در حالت ساخت یافته با فرآیندی کاملاً قیاسی مواجه هستیم و در حالت ساخت نیافته فرایند کار خود را با قیاس شروع کرده اما سپس با استقرار پیوند می‌خورد (تبریزی، ۲۰۱۳) هدف از تحلیل محتوای متن مصاحبه و یا اسناد و ... شناسایی اهداف، ارزش‌ها، فرهنگ و تمایلات مؤلف و یا نویسنده آن می‌باشد به بیانی دیگر در تحلیل محتوا شناخت ناخودآگاه متن و صاحب متن موردنظر می‌باشد (فروید، ۱۹۸۹). ویمر و دومینیک^۲ (۲۰۰۶) پنج هدف اصلی را برای تحلیل محتوا مشخص کردند:

۱. توصیف محتوای ارتباط: در این نوع پژوهش ویژگی‌های مجموعه‌های خاص با محتوای ارتباطی در مقاطع زمانی مختلف و با تفاوت‌ها و دگرگونی‌های اجتماعی مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد.

۲. آزمون فرضیه‌ها درباره سیاست‌ها یا اهداف تولیدکنندگان رسانه‌ای: در این نوع مطالعات تحلیل محتوا از صور سطحی فراتر رفته و به بررسی ویژگی‌ها، انگیزه‌ها و یا ایدئولوژی تولیدکنندگان محتوای رسانه‌ها می‌پردازد.

۳. مقایسه محتوای رسانه‌ها با جهان واقعیت: در این نوع بررسی‌ها به مقایسه صفت یا ویژگی خاصی با استانداردهای زندگی واقعی می‌پردازد.

۴. ارزیابی گروه‌های خاص در جامعه: کشف تصویر رسانه‌ای برخی گروه‌های خاص واقعیت، هدف این نوع از مطالعات می‌باشد.

۵. انجام استنتاج‌هایی درباره آثار رسانه‌ها: وینر و دومینیک معتقدند تحلیل محتوا به‌طور مستقیم نمی‌تواند به ارزیابی تاثیر رسانه‌ها بپردازد ولی با ترکیب این روش و سایر روش‌ها می‌توان تاثیر رسانه‌ها بر مخاطبان را اندازه گرفت (وینر و دومینیک، ۲۰۰۶)

برلسون^۳ (۱۹۵۲) در یک تقسیم‌بندی مشخص پنج هدف عمده را برای تحلیل محتوا مشخص کرد که عبارت‌اند از:

۱. توصیف ویژگی‌های اصلی محتوایی پیام.
۲. توصیف ویژگی‌های شکلی محتوایی پیام.
۳. استنباط مفاهیم موردنظر تهیه‌کنندگان محتوا.
۴. استنباط برداشت مخاطبان پیام از محتوای آن.
۵. پیش‌بینی اثرات محتوا بر مخاطبان (مک نامارا^۴، ۲۰۰۳).

این دسته‌بندی در اولین اثر نوشته‌شده درباره روش تحلیل محتوا ارائه شده که نشان می‌دهد از همان ابتدا هدف از تحلیل محتوا نه تنها توصیف ویژگی‌های متن نبوده بلکه مهم‌تر از آن نتیجه‌گیری و استنباط از محتوا بیشتر مدنظر اندیشمندان بوده و همان‌طور که کاملاً مشهود است از پنج هدف بالاست هدف استنباطی می‌باشد (قائدی و گلشنی، ۲۰۱۶)

شرح مراحل و تبیین استقرا و قیاس در تحلیل محتوای کیفی

لازم به ذکر است محققین گوناگون تقسیم‌بندی‌های متفاوتی برای مراحل انجام تحلیل محتوای کیفی ارائه داده‌اند. در تحلیل محتوای کیفی و کمی دو مؤلفه به‌عنوان تکرارپذیر بودن و اعتبار داده‌ها جایگاه خاصی دارد ولی به‌طور کلی در تحلیل محتوای کیفی سه مرحله اصلی با عناوین آمادگی، سازماندهی و گزارش وجود دارد که هر کدام از این مراحل دارای گام‌هایی به شکل زیر می‌باشند (تبریزی، ۲۰۱۳).

شایان‌ذکر است در هر دو رویکرد قیاسی و استقرایی گذر از این سه مرحله ضروری است و تنها شکل آن متفاوت است الو و

۱. Freud

۲. Wimmer, R. J R&. Dominic

۳. Burleson, B

۴. McNamara

کیناگاس^۱ (۲۰۰۸)

مرحله آماده‌سازی: در هر دو رویکرد استقرایی و قیاسی مشترک است که انتخاب موضوع و انتخاب واحدهای تحلیل را شامل می‌شود و همچنین در همین مرحله است که محقق تصمیم می‌گیرد که محتوای پنهان را مدنظر داشته باشد یا محتوایی آشکار در این مرحله نیز محقق با پاسخ به سؤالات چه کسی؟ چه چیزی؟ چرایی؟ و چه زمانی؟ در ارتباط با محتوا می‌پردازد و آن را تحلیل می‌کند و سپس به سازماندهی و ارائه گزارش می‌پردازد که با توجه به استقرایی و قیاسی بودند تحقیق متفاوت است و در ادامه به توضیح آن خواهیم پرداخت.

سازماندهی اطلاعات در تحلیل محتوای استقرایی

این مرحله از کدگذاری اطلاعات آغاز می‌شود که محقق با توجه به محتوای آشکار و یا پنهان در هر واحد مفهوم گویایی را به آن اختصاص می‌دهد. این مرحله که به آن کدگذاری اولیه نیز می‌گویند تغییرناپذیر است و با گذشت زمان و مطالعه دقیق‌تر مفاهیم مضامین استخراج‌شده، اصلاح می‌شوند و به‌مرور می‌توان به کدهایی دست یافت که با عناوین گوناگون تکرار شده و بیش از یک مفهوم را پوشش داده‌است. جمع‌آوری کدهای مشابه در کنار هم این امکان را فراهم می‌آورد که مقولات مستتر در متن شناسایی شوند. بحث مقولات، نحوه شکل‌گیری، و سازماندهی آن‌ها به‌عنوان مبدأ تمایزات موجود میان دو رویکرد قیاسی و استقرایی است. چراکه در رویکرد استقرایی مقولات زائیده متن هستند و برای سازماندهی مفاهیم و مضامین در قالب مجموعه‌های معنادار بکار می‌روند. بحث ساخت مقولات در این روش از ظرافت و دقت بسیار بالایی برخوردار است چراکه هر مقوله مرزی است میان آنچه هست و نیست. در انتخاب مقولات دو بعد هم‌گرایی و واگرایی باید هم‌زمان مدنظر قرار گیرد به این معنا که عناصر داخلی هر مقوله باید از مشابهت معناداری برخوردار باشد و میان دو مقوله مجزا تفاوت‌های قابل درکی وجود داشته باشد. به‌همین علت در فرایند تحقیق باید محدودیت‌ها و خصوصیات مقولات کاملاً مشخص باشد و راجع به آن توضیح داده‌شده باشد. از آنجا که مقولات، معرف اصول حاکم بر متن هستند لازم است تا حد ممکن از لحاظ معنایی به متن نزدیک باشند تا انحراف کمتری در دستاوردهای تحقیق صورت بگیرد. (ادیب، پرویزی و صلصالی، ۲۰۱۲) در مورد انتخاب نام مقولات استقرایی دو شیوه اصلی بیان شده‌است:

در شیوه اول: محقق با استفاده از مفاهیم حساس هر حوزه، عناوینی را به مقولات اختصاص می‌دهد بر این مبنا پژوهشگر تحقیق خود را با مفهومی آغاز می‌کند که به‌طور کلی و با سهل‌انگاری تعریف‌شده و سپس دست به پالایش دقیق معانی می‌زند. این مفعول متعلق به پژوهشگر است هرچند که امکان دارد از افراد تحت مطالعه نیز نظرخواهی شود. مبدأ مفاهیم حساس، پیشینه تحقیقی و دانش نظری است که محقق در ذهن دارد و از این راه چشم‌اندازهای بروی پژوهشگر می‌گشاید که در طول تحقیق می‌تواند راهنمای او باشد (تبریزی، ۲۰۱۳؛ نقل از پتن، ۱۹۹۰).^۲

در شیوه دوم به رویکرد استفهامی^۳ نزدیک می‌شود و باید از اصطلاحات و عناوینی که خود مردم برای نامیدن جهان و اطرافشان از آن استفاده می‌کنند بهره برد زبان افراد حاوی فرایندهای شناختی است که مختص آن‌ها بوده و تنها در پس واژه‌ها و اصطلاحات خاص آنان معنای حقیقی خود را می‌یابد به‌همین جهت اطلاق نام مقولات بیرون از یک بافت خاص ممکن است به تحمیل اندیشه‌های بینجامد که با واقعیت موضوع سازگار نیست (پتن، ۱۹۹۰) چارچوب نظری این تفکر را می‌توان در گرایش‌هایی چون مردم‌نگاری در علوم اجتماعی و ایده‌های روشی آن را در تحلیل محتوای مردم‌نگاران مشاهده کرد.

در فرایند تحلیل محتوای استقرایی کدگذاری اولیه و جمع کردن کدهای مشابه زیر یک مقوله واحد به ایجاد ده تا پانزده مقوله اولیه منجر می‌شود در مراحل بعدی مقولات با یکدیگر مقایسه شده و آن‌هایی که شباهت بیشتری به یکدیگر دارند زیر مجموعه مقالات

۱. Elo&Kynagas

۲. Patton,

۳. Interrogative approach

عام تری قرار می گیرند شکل یک هر یک از مقولات میانی معرف یک بخش یا طبقه خاص از موضوع تحقیق می باشد و این مقولات می توانند در ارتباط با هم باشند و زیرمجموعه یک مقوله اصلی قرار گیرند ارتباط مقولات میانی می تواند در قالب یک شبکه باز رابطه سلسله مراتبی ترتیب زمانی و یا یک شبکه ی علی تنظیم شود (توماس، ۲۰۰۶).^۱

سازماندهی اطلاعات در تحلیل محتوایی قیاسی :

برای سازماندهی اطلاعات می توان از هر دو ماتریس ساخت یافته و ساخت نیافته استفاده کرد در ماتریس ساخت یافته و در حالت اول ابتدا همه داده ها مرور و سپس در زیر مقولات مرتبط گنجانده می شود این کار می تواند هم زمان با فرآیند مرور داده ها و یا پس از پایان یافتن یک مرور اولیه صورت گیرد اما در حالت دوم برای بالا بردن اطمینان از صحت فرآیند مقوله بندی تمام متن مورد نظر مرور و نکات کلیدی آن برجسته شده و سپس با مراجعه دوباره به متن مقولات مورد نظر به آن ها اطلاق می شود همان طور که واضح است در ماتریس ساخت یافته از هر دو حالت می توان استفاده نمود در حالت اول تنها به اجزایی از متن که با ماتریس سازگارند توجه می شود و در حالت دوم توجه به اجزایی می شود که با ماتریس مورد نظر در تعارض هستند که حالت دوم منجر به ایجاد مقولات جدید در متن می شود که پیش از آن مورد توجه نبوده. در نهایت انجام تحقیق با ماتریس ساخت نیافته با رویکرد قیاسی آغاز می شود این ماتریس صرفاً مقولات اولیه را برای مراجعه به متن در اختیار محقق قرار می دهد اما پژوهشگر ملزم به باقی ماندن در آن چارچوب را ندارد و تنها از آن به عنوان مبنایی برای کار خود استفاده می نماید در این نوع پژوهش پژوهشگر در فرآیند تحقیق و با توجه به داده های هر متن خواست نسبت به بررسی معقولات اولیه اصلاح مقولات و همچنین اضافه کردن مقولات جدید اقدام می نماید (صادقی راد و ناصری راد ۲۰۱۲).

گزارش تحقیق در تحلیل محتوایی استقرایی :

در قسمت آخر تحقیقات استقرایی یافته های برخاسته از متن ارائه و تفسیر می شوند در این قسمت می توان از داده های نظری موجود برای بررسی نتایج تحقیق و یا مقایسه با آن سود برد که این می تواند به عنوان نوعی گذر به منطق قیاسی در بخش گزارش دقیق در نظر گرفته شود همچنین بخش هایی از متون مورد مطالعه نیز می توانند برای مستند کردن یافته های تحقیقی مورد استفاده قرار گیرند

گزارش تحقیق در تحلیل محتوای قیاسی :

از آنجا که رهیافت قیاسی بر موضوع ابطال پذیری مبتنی است فرایند تحقیقات قیاسی نیز به آزمون فرضیات برآمده از نظریه های اولیه منجر می شود در مرحله گزارش این نوع تحقیقات اطلاعات گردآوری شده در راه آزمون فرضیه های تحقیق به کار می روند تا مشخص شود که این فرضیات در متون بررسی شده مورد تایید قرار می گیرند یا رد می شوند همچنین سایر مقولاتی که در ماتریس مقوله بندی اولیه وجود نداشته و در فرایند تحقیق شناسایی شده اند و پس از سازماندهی به شیوه استقرایی می توانند برای تکمیل و اصلاح نظریه ها و فرضیه های اولیه در یک متن خاص به کار آیند (نوشادی، ۲۰۱۲) (جدول ۱).

جدول ۱. گزارش تحقیق در تحلیل محتوای قیاسی

انواع تحلیل محتوای کیفی	تحلیل محتوای استقرایی	تحلیل محتوای قیاسی
شروع تحقیق	مشاهده	نظریه
تعریف کدها و مقولات	در فرایند تحلیل داده ها	تعریف کدها پیش از تحلیل و در خلال آن
منبع کدها و یا مقولات	استخراج کدها از داده ها	استخراج کدها از نظریه و یا یافته های تحقیق

^۱. Thomas

انتقادهای وارد شده بر تحلیل محتوایی استقرایی:

اولین انتقاد وارد شده بر تحلیل محتوای استقرایی متفاوت نبودن آن با روش نظریه مبنایی^۱ است که در پاسخ به این انتقاد می توان گفت چون این روش از اولین روش های کیفی می باشد و زمانی مطرح شده که سایر روش های پدیدارشناختی و یا روش نظریه مبنایی رشد چندانی نداشته است (هالی وی، ۱۹۷۷).

تحلیل محتوای استقرایی گاهی به عنوان صورت ساده تری از روش نظریه مبنایی در نظر گرفته می شود شیوه ای که در مرحله ای از ساخت مفاهیم و مقولات متوقف شده و همانند روش نظریه مبنایی دستیابی به بالاترین سطح انتزاعی را جست و جو نمی کند به همین دلیل گاهی تحقیقات ابتدایی تری که با استفاده از روش نظریه مبنایی صورت گرفته اند با تحلیل محتوا بودن اشتباه گرفته می شوند (گیلز ۲۰۰۲).

یکی دیگر از انتقادهای به این روش یعنی تحلیل محتوای استقراء می شود این است که به جای جست و جو برای دستیابی به یک نظریه اصلی، ساخت یک مدل یا توسعه مفهومی را دنبال می کند (فانگ و شانون، ۲۰۰۵ نقل از نوشادی، ۲۰۱۰)^۴ یکی دیگر از موارد نقد این است که گرایش هایی از تحلیل محتوا که بر استقراء مبتنی هستند به دلیل محقق محور بوم و مبتنی بودن نتایج تحقیق بر فهم فردی نیز مورد انتقاد قرار می گیرند ناتوانی محقق از فهم کامل متن و در نتیجه ناتوانی وی در تشخیص مقولات کلیدی می تواند در دستاوردهای تحقیق انحراف ایجاد کند و در نتیجه اعتبار آن را کاهش دهد (تبریزی، ۲۰۱۵).

انتقادهای وارد بر تحلیل محتوای قیاسی:

یکی از مهم ترین انتقادهایی که به رویکرد قیاسی وارد است این است که مانند قیاس در دیگر روش ها به محدود ماندن در ذهن محقق در چارچوب اولیه کم رنگ انگاشتن و یا نادیده گرفتن داده های متفاوت برخاسته از متن و همچنین احتمال تحلیل پیش فرض های ذهنی برخاسته از نظریه به داده ها مربوط می شود همچنین کاربرد این رویکرد به دلیل بالا بودن احتمال بی جوابی یعنی نبود مصادیق مورد نظر در متن با مشکلاتی روبرو است (صادقی راد و ناصری راد، ۲۰۱۲).

تمایز تحلیل محتوای کمی و تحلیل محتوای کیفی

عرصه های تحقیقی که تحلیل محتوای کمی و کیفی از آن برخاسته اند، متفاوت می باشد. تحلیل محتوای کمی، به شکل گسترده ای در ارتباطات به کار گرفته شده و بیشتر متوجه شمارش عناصر آشکار متن می باشد. این ویژگی تحلیل محتوای کمی، به دلیل نادیده گرفتن معانی پنهان در متن، مورد انتقاد قرار گرفته است. در مقابل، تحلیل محتوای کیفی در مردم شناسی، جامعه شناسی و روان شناسی به کار میرود و بیشتر به پیام های مستتر در متن پرداخته است. اتکای فلسفی روش تحلیل محتوای کیفی بر پارادایم های تفسیری-برساختی و اتکای رویکردهای کمی بر اندیشه عین گرا نقطه آغاز تمایز این دو رویکرد است. (منادی، ۲۰۰۶)

این دو روش در فرایند انجام پژوهش عمدتاً از تکنیک های نمونه گیری متفاوتی استفاده می کنند. در رویکرد کمی، نمونه گیری به صورت تصادفی و یا سایر صورت های احتمالی انجام می شود. اما در رویکرد کیفی نمونه ها غالباً به صورت هدفمند انتخاب می شوند تا بتوان به پاسخ پرسش های تحقیق دست یافت. نتایج حاصل از این دو نیز متفاوت است. روش کمی، به تولید داده های عددی و تحلیل آماری این داده ها منجر می شود. اما نتیجه تحلیل کیفی، ارائه نوعی توصیف و یا سنخ شناسی از معانی مستتر در یک متن است. برای روش تحلیل محتوای کیفی در برابر روش کمی، سطح بالاتری از انعطاف پذیری و خلاقیت قائل شده اند که به سان دیگر

۱. Grounded Theory

۲. I.Holloway,E

۳. Gilles

۴. Fang&HS.Shanon

طرح‌های کیفی، از مسیر مارپیچی، غیرخطی و فاقد فرمت خاص عبور می‌کند. نتایج بدست آمده از این دو نیز متفاوت است. روش کمی، به تولید داده‌های عددی و تحلیل آماری این داده‌ها منجر می‌شود، اما نتیجه تحلیل کیفی، ارائه نوعی توصیف و یا سنخ‌شناسی از معانی مستتر در یک متن است. تمایز نهایی که در این پژوهش، مورد بازبینی قرار می‌گیرد. بحث درباره سیطره دو منطق قیاس و استقرا بر تحقیق کمی و کیفی است. تحقیق کمی معمولاً تحقیقی قیاسی دانسته می‌شود، فرایندی که از نظریه‌ها، آغاز و به آزمون فرضیه با رجوع به داده‌ها منجر می‌شود. حال آن که تحلیل محتوای کیفی عمدتاً استقرایی شمرده می‌شود که با مراجعه مستقیم به داده‌ها می‌کوشد به نوعی جمع‌بندی نظری از آنها دست پیدا کند. در پژوهشی سه رویکرد به تحلیل محتوای کیفی سه رهیافت اصلی از این روش را با عناوین تحلیل محتوای متعارف، هدایت شده و تجمعی (تلفیقی) از یکدیگر متمایز شده است در این سه رویکرد سطوح گوناگونی از استقرا و قیاس با یکدیگر ترکیب شده‌اند در رویکرد نخست و دوم به ترتیب شاهد سلطه بیشتر رهیافت استقرا و قیاس هستیم. رویکرد سوم ویژگی‌های خاصی دارد که روش کمی و کیفی را با یکدیگر تلفیق می‌نماید. (فانگ و شنون، ۲۰۰۵؛ نقل از نوشادی، ۲۰۱۰) (جدول ۲).

جدول ۲. تحلیل محتوای کمی و کیفی

تحلیل محتوای کمی	تحلیل محتوای کیفی
عینی است	ذهنی است
به شمارش عناصر آشکار متن می‌پردازد	به پیام‌های مستتر در متن می‌پردازد
اتکای رویکردهای کمی بر اندیشه عین‌گرا است	اتکای فلسفی این روش بر پارادایم‌های تفسیری-برساختی است
نمونه‌گیری به صورت تصادفی و یا سایر صورت‌های احتمالی انجام می‌شود.	نمونه‌ها غالباً به صورت هدفمند انتخاب می‌شوند تا بتوان به پاسخ پرسش‌های تحقیق دست یافت.
به تولید داده‌های عددی و تحلیل آماری این داده‌ها منجر می‌شود	به ارائه نوعی توصیف و یا سنخ‌شناسی از معانی مستتر در یک متن است
سطح پایین تری از انعطاف‌پذیری و خلاقیت	سطح بالاتری از انعطاف‌پذیری و خلاقیت
، به تولید داده‌های عددی و تحلیل آماری این داده‌ها منجر می‌شود	به ارائه نوعی توصیف از معانی مستتر در یک متن می‌پردازد
برگرفته از نظام فلسفی اثبات‌گرایی	برگرفته از نظام فلسفی تفسیری
تحلیل محتوای کمی قیاسی است	تحلیل محتوای کیفی استقرایی است

بحث و نتیجه‌گیری

تحلیل محتوا به عنوان یک تکنیک علمی عمدتاً در قرن بیستم رایج شد. شاخه‌های مختلف علوم اجتماعی مانند ارتباطات، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و روانشناسی در تحقیقات خود از آن استفاده کرده‌اند. دو عامل محتوا و تأکید در میزان یادگیری فراگیران بسیار مؤثر هستند. ابتدا از این روش برای تحلیل تبلیغات و بعدها برای اهداف اطلاعاتی و... استفاده شد. پژوهشگران به تحلیل محتوا به عنوان روشی مناسب برای تحلیل اطلاعات توجه ویژه‌ای دارند. تحلیل محتوا به رویکردهای تحلیلی مختلف از رویکردهای استنباطی و توصیفی گرفته تا رویکردهای نظام‌مند و دقیق اشاره دارد. هر محقق بسته به نوع مطالعه و علاقه خود می‌تواند نوع خاصی از تحلیل محتوا را انتخاب کند. اگرچه انعطاف‌پذیری تحلیل محتوا برای انواع مختلف پژوهش مفید است، اما نبود تعریف و فرآیند دقیق می‌تواند محدودیت جدی در کاربرد این روش تحقیق ایجاد کند. با توجه به اینکه در هر حیطه اندیشه‌ها و بنیان‌های فکری می‌توانند راهنمای صورتهای اندیشه باشند، به نظر می‌رسد این منطقی‌های پژوهشی می‌توانند در مقایسه با صورتهای گوناگونی که از تحلیل محتوا ارائه شده است به عنوان امری پیشینی و هدایت‌کننده در نظر گرفته شوند.

پژوهش حاضر، که با هدف شناساندن تحلیل محتوای کمی و کیفی و روش استقرا و قیاس در تحلیل محتوای کیفی انجام شد. ابتدا دو رویکرد کمی و کیفی در تحلیل محتوا از هم متمایز شدند و نتایج نشان داد برخلاف تصور غالبی که وجود دارد و روش تحلیل محتوای کیفی را ضرورتاً استقرایی میداند، امکان کاربرد دیگر منطقیها و به خصوص قیاس نیز، وجود دارد و یک صورت

کاربردی در این روش، جایی تحقق مییابد که این دو منطق با یکدیگر پیوند بخورند. حرکت جداگانه در رویکرد قیاسی و استقرایی و تأکید بر هر کدام، نقاط قوت و نیز کاستیهایی را برای پژوهش به همراه دارد. از امتیازات رویکرد استقرایی میتوان به امکان کسب مستقیم اطلاعات از دل دادهها و جلوگیری از تحمیل مقولات از پیش تعیین شده به متن نام برد. با این حال، این رویکرد نتوانسته است مرزهای دقیقی با سایر روشهای مشابه ایجاد کند. رویکرد قیاسی در مقابل، از امکان بهره گیری از دستاوردهای تحقیقات پیشین برخوردار است. با این حال در این شیوه این خطر وجود دارد که فرد بیشتر به دنبال شواهدی بگردد که چارچوب نظری اولیه او را تأیید کنند و در نتیجه، از بررسی همه جانبه متن در زمینه مورد بررسی غافل بماند. کاستیهایی از این دست، محقق را بر آن میدارد که با آگاهی به معایب و مزایای هر رویکرد و با توجه به هدف تحقیق، درباره فرایند تحقیق تصمیم گیری کند. حرکت بین استقرا و قیاس و بهره گیری از هر دوی آنها میتواند به رفع نقایص احتمالی در فرایند پژوهش کمک کند. یافته های پژوهش حاضر با نتایج پژوهش گلشنی و قائدی (۲۰۱۶) نیز همسو و هماهنگ بود

همچنین تحلیل محتوا به طور کلی به دو روش تحلیل محتوا کمی و کیفی تقسیم می شود و محقق باید بر اساس طرح موضوع و نوع استفاده از تحلیل محتوا و روش کاربرد آن در مطالعه از این دو روش بهره مند شود و روشی را برای جلوگیری از سردرگمی و ابهام در کاربرد بین این دو انتخاب کند. تحلیل محتوای کمی به عنوان روشی سیستماتیک، عینی و کمی برای اندازه گیری و تحلیل متغیرها تعریف می شود (شاخص تحقیقات کمی)، تحلیل محتوای کمی باید دارای عینیت، نظم، وضوح و اندازه باشد. لازم به ذکر است که این روش دارای دو عنصر اصلی است: واحد. تحلیل و مقوله تحلیل تحلیل محتوای کیفی یکی از پرکاربردترین روش های تحقیق برای تحلیل داده های متنی است. رشته های دیگری که از این روش بهره می برند عبارتند از: انسان شناسی، نظریه زمینه ای، پدیدارشناسی و تحقیقات تاریخی. به ویژه، تقلیل ادبیات به اعداد از نظر کمی مورد انتقاد گسترده قرار گرفته است، زیرا ترکیب و معنا را از دست می دهد. تجزیه و تحلیل کمی زمانی اتفاق می افتد که به محدودیت های کمی برسد. بنابراین، تحلیل محتوای کیفی را می توان به عنوان روشی پژوهشی برای تفسیر موضوعی داده های متنی از طریق فرآیندهای طبقه بندی سیستماتیک، کدگذاری و ساخت موضوعی که به طراحی الگو معروف است، در نظر گرفت. تحلیل کیفی را می توان رویکردی تجربی، روشمند و کنترل شده به متون در بستر ارتباطی بر اساس روش های تحلیل محتوا و روش گام به گام که مربوط به حوزه های مورد مطالعه است در نظر گرفت. بر اساس این تعاریف، تحلیل محتوای کیفی می تواند پایایی و روایی داده ها را اما به صورت علمی توضیح دهد. اعتبار نتایج با داشتن یک فرآیند کدگذاری سیستماتیک که فراتر از کلمات یا محتوای متون است و تست مضامین و الگوهایی که به عنوان محتوا قابل مشاهده یا پنهان هستند، تضمین می شود. یکی از محدودیت های پژوهش حاضر ناکافی بودن منابع علمی در راستای پژوهش در زبان فارسی بود. و محدودیت زمان برای ترجمه روان و سلیس متون معتبر علمی. یکی از پیشنهادات پژوهشی این است که سایر مقاطع آموزشی نیز مورد بررسی قرار گیرد. پیشنهادات کاربردی شامل ایجاد منابع درسی مناسب و تحلیل محتوای آن قبل از شروع آموزش عمومی و تاثیر آن بر یادگیری فردی، ایجاد و تولید محتوای درسی متناسب با آموزش الکترونیکی و آموزش از راه دور در آموزش عالی، بررسی نقش تحلیل محتوا در انتخاب محتوای آموزشی آموزش از راه دور در آموزش عالی و ارتباط آن با پیشرفت تحصیلی دانشجویان، پژوهشی بررسی نقش تحلیل محتوا در انتخاب محتوای آموزشی آموزش از راه دور در آموزش عالی و ارتباط آن با ایجاد انگیزه در دانشجویان است.

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

این مطالعه برگرفته از رساله دکتری می باشد. در پژوهش حاضر تمامی ملاحظات و معیارهای اخلاقی رایج رعایت شده است. همچنین به آزمودنی ها اصول رازداری، حفظ حریم شرکت کنندگان، بدون نام بودن پرسشنامه ها و چگونگی روند مداخله توضیح داده شد.

حامی مالی

این مطالعه بدون حمایت مالی هیچ موسسه و سازمان دولتی یا خصوصی انجام شده است.

مشارکت نویسندگان

همه نویسندگان سهم یکسانی در تهیه پیش نویس مقاله، بازبینی و اصلاح مقاله برعهده داشتند.

تضاد منافع

بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله حامی مالی و تعارض منافع ندارد.

تشکر و قدردانی

بدینوسیله از تمامی والدینی که در انجام این پژوهش همکاری و مساعدت کردند، قدردانی و تشکر می شود.

References

- Bab al-Hawaeji, F. (1997). "Content analysis", Book Quarterly, Winter. and Research Center. 978-1-4129-8776-9
- Baby, Earl. (2002), Research methods in the social sciences, translated by Reza Fazel.
- Barden, L. (1995). Content analysis, translated by Maliheh Ashtiani and Mohammadimani Dozi Sorkhabi, Tehran: Shahid Beheshti University Press. DOI:10.13140/RG.2.2.21296.61441
- Berger, -Asa. (2004). Media Analysis Methods, Translated by Parviz Ajlali, Media Studies
- Blakey, Norman. (2005), Social Research Design, Translated by Hassan Chavoshian, □
- Blakey, Norman. (2009), Social Research Strategies, Translated by Hashem Agha Beig □
- Borujerdi Alawi, M. (2002). Media Message Analysis: Application of Quantitative Content Analysis in Research, Translated by Mahdakht Borujerdi Alawi, Tehran: Soroush Publishing House. DOI:10.4324/9780429464287
- Bowen, G.A. (2009), "Document Analysis as a Qualitative Research Method", Qualitative Research Journal, Vol. 9 No. 2, pp. 27-40. <https://doi.org/10.3316/QRJ0902027>
- Iman, M.T. Noshadi, M.R. (2012). "Qualitative content analysis", Research Quarterly, Year 3, Issue 2, Fall and Winter,
- Jafari Harandi, R. Nasr, A.R. Mirshah Jafari, A. (2009). "Content analysis is a widely used method in studies of social, behavioral and human sciences, with an emphasis on the content analysis of textbooks", Methodology of Humanities in the School and University, No. 55 <https://civilica.com/doc/1640444>
- Manadi, M. (2006). "Method of Content Analysis of Spoken and Written Text in Behavioral and Social Sciences", Quarterly Journal of Seminary and University, Year 12, Issue 48, Fall.
- Mirzabigi, Mohammad Ali; Wafai Yeganeh, Mohammad; Mirzamohammadi, Mohammad Hassan (2008) Cultural Engineering, 71-61. <https://www.magiran.com/p1010494>
- Momeni Rad, Akbar; Aliabadi Khadija; Fardanesh, Hashem; Mazini, Naser (2013). Qualitative Content Analysis in Research Methodology: Nature, Stages, and Validity of Results. Educational Measurement Quarterly, No. 14, Year 4, Winter 2013. https://em.atu.ac.ir/article_92.html
- Motamedi, Ah (2019). The confrontation between the theory of "Siegfried Krakouer" and "Roger Scruton" in the nature of the representation of film media with the approach to the theory of "imagination" in the philosophy of religious art. Studying new media 5(18) doi: 10.22054/nms.2019.40113.693
- Noushadi, M.R. (2010). How to Design National Identity in Fifth Grade Social Studies
- Qaedi, Mohammad Reza; Golshani, Alireza (2016) Content Analysis Method, From Quantitative to Qualitative. Journal of Psychological Methods and Models, 7th year, No. 23, Spring 95. doi: 10.1001.1.22285516.1395.7.23.4.4 <https://civilica.com/doc/1914520>
- Sadeghi Rad, Soheila; Naseri Rad, Mohsen (2011) Fundamental Elements of Qualitative Research in Social Sciences: Ontology: Epistemology, Methodology. Method. Iranian Journal of Social Studies, Volume 5, Issue 2. https://www.researchgate.net/publication/283153060_
- Sedigh Sarvestani, R.A. (2007). "Application of Content Analysis in Social Sciences", Social Sciences Letter, University of Tehran, New Volume, Issue 8, Winter. r 20.1001.1.25887459.2021.8.2.1.1
- Seyed Emami, K. (2005) Research in Mass Media, Translated by Tehran: Soroush and Iranian Broadcasting Center [20.1001.1.25887459.2021.8.2.1.1](https://doi.org/10.1001.1.25887459.2021.8.2.1.1)

- Stemler, S., (2000) "An overview of content analysis", Practical Assessment, Research, and Evaluation 7(1): 17. doi: <https://doi.org/10.7275/z6fm-2e34>
- Shabani, Hassan (1992). Educational and educational skills. Tehran:samt
- Tabrizi, Mansooreh (2012). Qualitative Content Analysis from the Perspective of Deductive and Inductive Approaches. Quarterly Journal of Social Sciences No. 64, Spring 93. <https://doi.org/10.22054/qjss.2014.344>